

بررسی کاربرد برخی دروس دانشگاهی رشته پرستاری در کار بالین از دیدگاه پرسنل طرح شاغل در بیمارستان‌های منتخب شهر اصفهان

مهرداد آذرپرزین*

کارشناس ارشد پرستاری، مربی گروه پرستاری دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان، ایران

زمینه و هدف: پرستاری ترکیبی از علم و هنر است و بایستی تمامی آموزش‌های نظری و بالینی آن بر ترکیب این دو جنبه تأکید داشته باشند ولی در عمل فاصله بین آنچه در کلاس درس آموخته می‌شود و آن چیزی که در بالین به‌کار گرفته می‌شود بسیار زیاد است، لذا در این پژوهش کاربرد برخی دروس دانشگاهی رشته پرستاری در کار بالین از دیدگاه پرستاران طرحی مورد بررسی قرار گرفت.

روش کار: در این پژوهش توصیفی تحلیلی از بین بیمارستان‌های شهر اصفهان ۶ بیمارستان به‌صورت تصادفی انتخاب شد و تمامی پرستاران طرحی آنها که مجموعاً ۷۸ نفر را شامل می‌شدند توسط پرسشنامه‌ای شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک و بخش نظرسنجی مرتبط با کاربرد دروس در کار بالینی، مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که بیشتر پرستاران مورد مطالعه، مونث (۸۴/۶ درصد)، فارغ التحصیل دانشگاه‌های آزاد (۶۴/۱ درصد) و با سابقه کار بین ۶-۱۲ ماه (۴۷/۴ درصد) بوده و در بخش اورژانس کار می‌کردند (۲۰/۵ درصد). در مجموع بیشترین میانگین (انحراف معیار) کاربرد دروس مربوط به دروس داخلی جراحی ۳۴/۶۸ (± ۲/۴۳) و کم‌ترین آن مربوط به پرستاری مادران و نوزادان ۱۱/۵۸ (± ۴/۳۴) بود. در مقایسه میانگین کاربرد دروس مختلف تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین‌ها مشاهده نشد، که این مسئله با توجه به جنس نیز صادق بود ولی افزایش سابقه کار، کاهش میانگین نمره کاربرد بالینی دروس پرستاری بهداشت جامعه و پرستاری بیماری‌های روان پزشکی را نشان می‌داد (به ترتیب $P=0/025$ ، $P=0/04$ و دروس پرستاری داخلی-جراحی و بهداشت مادران و نوزادان از دیدگاه فارغ التحصیلان دانشگاه‌های آزاد کاربرد بیشتری در کار بالین داشتند (به ترتیب $P=0/03$ ، $P=0/016$).

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج این مطالعه و نتایج مطالعات انجام شده قبلی به نظر می‌رسد که شکاف تئوری-عمل قابل توجهی در حرفه پرستاری وجود دارد و لذا بایستی این فاصله با تغییراتی در سر فصل دروس و یا شیوه برنامه‌ریزی دروس پرستاری، رفع گردد.

کلید واژه‌ها: دروس دانشگاهی، کار بالینی، پرستاری، شکاف تئوری، عمل

* نویسنده مسؤول: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، دانشکده پرستاری و مامائی، ایران

مقدمه

پرستاری ترکیبی از علم و هنر است (۱). به عبارت دیگر پرستاری حرفه‌ای است تخصصی با نقش‌های چندگانه که دارای وظایف عمومی و اختصاصی می‌باشد (۲). پرستار بایستی با دیدی جامعه‌نگر و جامع به‌منظور تأمین، حفظ و ارتقاء سلامت و رفاه اجتماعی مددجویان در کلیه سطوح ارائه خدمات بهداشتی و درمانی و توانبخشی که سطح اول آن فرد، خانواده، مدرسه، کارخانه...، سطح دوم مراکز بهداشتی درمانی، سطح سوم بیمارستان، کلینیک‌های عمومی و تخصصی، سطح چهارم مراکز فوق تخصصی و سطح پنجم مراکز توانبخشی و نگهداری می‌باشد، انجام وظیفه نماید. وظایف یاد شده در کلیه سطوح خدمات شامل پیشگیری، غربالگری، درمانی، توانبخشی و نگهداری است که پرستار با انجام وظایف با به‌کارگیری فرآیند پرستاری خدمات خود را با توجه به ضرورت ایفای نقش‌های حمایتی، حفاظتی، آموزشی، مراقبتی، هماهنگی، رهبری، مشاوره‌ای و پژوهشی ارائه می‌نماید (۳). برای این که پرستار بتواند از عهده این مسئولیت‌ها و وظایف حرفه‌ای خود برآید بایستی از مراحل مبتدی، تازه کار پیشرفته، شایستگی، تخصص و مهارت عبور نماید. در مرحله ابتدائی شخص هیچ گونه پیش زمینه و تجربه از موقعیتی که در آن قرار می‌گیرد ندارد اما به تدریج توانائی آن را پیدا می‌کند که موقعیت را با فهم ذاتی درک نموده و منشأ مشکل را بدون این که توجه به محدوده تشخیص‌ها و راه‌حل‌ها را از دست دهد، توصیف کند (۴). گذر از نقش دانشجویی به نقش حرفه‌ای به عنوان یک مرحله مهم در طول دوره شغلی پرستاران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و عدم آمادگی دانش آموختگان پرستاری برای گذر به نقش حرفه‌ای خود و ورود به محیط بالین موجب بروز واکنش‌های نامطلوبی در ابعاد جسمانی و روانی آنها شده و سبب می‌گردد آنان نتوانند خود را با محیط جدید مطابقت دهند. عموماً واقعیت‌های محیط بیمارستان به گونه‌ای است که با انتظارات دانش آموختگان پرستاری هم‌خوانی ندارد؛ به‌طور مثال در طی دوران تحصیل همواره به

دانشجویان پرستاری آموزش داده می‌شود که مبنای تدوین و اجرای مراقبت خود را یک دیدگاه کل‌نگر قرار داده و به مددجو به عنوان یک انسان دارای ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی بنگرند اما دانشجویان پرستاری بعد از دانش آموختگی و ورود به محیط کار با دیدگاه نسبتاً متفاوتی نسبت به بیمار در محیط کار روبرو می‌گردند و احساس می‌کنند فاصله زیادی در این زمینه وجود دارد. در این رابطه پژوهشی کیفی با عنوان "تجارب دانش آموختگان پرستاری از آمادگی حرفه‌ای در جریان گذر به نقش بالینی خود" بیان می‌کند که بسیاری از شرکت‌کنندگان در پژوهش به نوعی عدم آمادگی برای ورود به محیط کار را تجربه کرده‌اند. این پژوهشگران یکی از علل این موضوع را محدودیت‌های آموزش پرستاری در خصوص توانائی آماده سازی دانش آموختگان برای نقش حرفه‌ای خود مشخص ساخته‌اند (۵). به بیان دیگر فاصله بین آنچه در کلاس درس آموزش داده می‌شود و خدماتی که در بالین ارائه می‌گردد به عنوان یک مشکل اساسی در پرستاری به چشم می‌خورد. اغلب مطالعات انجام شده در دنیا در این زمینه بر این موضوع دلالت دارند که تفاوت چشم‌گیری بین یادگیری‌های نظری و خدمات بالینی پرستاری دیده می‌شود. در تحقیقی که با عنوان "مقایسه فاصله یادگیری‌های نظری و خدمات بالینی پرستاری و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه دانشجویان، مدرسین و کارکنان پرستاری" انجام گرفت به این مسئله اشاره شده است که: "بین یادگیری‌های نظری و خدمات بالینی پرستاری، هماهنگی لازم وجود ندارد." محققین این پژوهش اشاره می‌کنند که در مورد میانگین امتیازات فاصله بین یادگیری‌های نظری و خدمات بالینی پرستاری دیدگاه هر سه گروه در مورد اصول و فنون پرستاری موید این مسئله است که این فعالیت‌ها تا حدودی هماهنگ بوده، گرچه امتیازات در کلیه موارد از نظر پرستاران، از مدرسین و دانشجویان بیشتر است و از لحاظ آماری معنی‌دار بوده است. این گروه محققین به هماهنگی نظرات نمونه‌ها در دروس پرستاری داخلی-جراحی، بهداشت جامعه و بهداشت

این پژوهش در نظر گرفته شدند و به جهت این‌که روزهای اول کار معمولاً با جذابیت و هیجان‌ناشی از تازگی شغل همراه می‌باشد، افرادی انتخاب شدند که حداقل شش ماه از شروع به کار آنها گذشته بود و مسائل تازه بودن شغل را پشت سر گذاشته بودند. برای انتخاب محیط پژوهش ابتدا کلیه بیمارستان‌های شهر اصفهان که شامل ۱۴ بیمارستان بود به انواع دولتی، خصوصی و تأمین اجتماعی تقسیم گردید و سپس با توجه این‌که فارغ‌التحصیلان پرستاری در اصفهان با توجه به نیاز بیمارستان‌ها، در هر سه دسته بیمارستان جهت گذراندن طرح تقسیم می‌گردند، از هر دسته با روش تصادفی دو بیمارستان به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب گردید (مجموعاً ۶ بیمارستان از کل ۱۴ بیمارستان) و کلیه پرسنل طرح این بیمارستان‌ها که مجموعاً ۷۸ نفر را تشکیل می‌دادند وارد مطالعه شدند. با هر کدام از پرستاران در رابطه با پژوهش صحبت گردید و از آنها راجع به رضایت داشتن جهت شرکت در پژوهش سؤال گردید که در این رابطه تمامی آنها آمادگی خود را برای شرکت در پژوهش اعلام داشتند.

برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده گردید. این پرسشنامه شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک و بخش نظرسنجی در زمینه کاربرد دروس در کار بالینی بود که بر اساس مقیاس شش گزینه‌ای لیکرت (بدون کاربرد، بسیار کمتر از حد انتظار، کمتر از حد انتظار، در حد انتظار، بیش از حد انتظار و بسیار بیشتر از حد انتظار) در رابطه با کلیه سرفصل‌های دروس پایه، اصلی، پرستاری داخلی-جراحی، پرستاری بهداشت مادران و نوزادان، پرستاری بهداشت جامعه، پرستاری بیماری‌های روان‌پزشکی، پرستاری کودکان و کارآموزی‌های مربوطه تهیه شده بود. با توجه به این‌که پرسشنامه صرفاً با عناوین دروس پرستاری بر اساس سرفصل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه شده بود لذا نیازی به تعیین روائی به‌نظر نمی‌رسید. پایائی پرسشنامه با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ در کل پرسشنامه ۰/۹۱ به دست آمد. پرسشنامه‌ها طی یک جلسه توسط پرستاران مورد نظر

مادران و نوزادان و عدم هماهنگی نظرات در دروس مدیریت و آموزش به مددجو، اشاره می‌کنند (۶). وودز (Woods) نیز در تحقیق خود به این نکته اشاره دارد که عدم هماهنگی‌های کامل دروس تئوری و عملی پرستاری در برخی حیطه‌ها می‌تواند گاهی به اختلالاتی در کار بالینی منجر گردد و تفاوت‌هایی در آموزش‌های تئوری و عملی در کشور انگلستان به چشم می‌خورد (۷). امروزه بیشتر کارهای بالینی پرستاری به انجام کارهای اولیه‌ای از قبیل تزریقات و پانسمان در بخش‌های عمومی و اقدامات کمی پیشرفته‌تر در بخش‌های ویژه محدود گردیده است و بسیاری از دروس آموخته شده در این رشته ممکن است هیچ‌گاه در بالین به‌کار گرفته نشود (۸). از آن جایی که ارزیابی برنامه‌های آموزشی یکی از وظایف اصلی دانشگاه‌های علوم پزشکی است که بیانگر میزان توانمندی‌های شغلی و کارائی برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات بهداشتی-درمانی به منظور ارتقاء سطح سلامتی افراد جامعه می‌باشد و بستگی به میزان تحقق اهداف آموزشی دارد (۹) و از آنجایی که این معضل در بیمارستان‌های ما به طور شفاهی توسط بسیاری از پرستاران شاغل در بیمارستان‌ها بیان می‌گردد و همچنین در عمل نیز مشاهده می‌گردد که بسیاری از پرستاران ما هیچ‌یک از اصول و موارد آموخته شده تئوری را در بالین به کار نمی‌گیرند، لذا پژوهشگر بر آن شد تا به‌منظور مستند کردن این نظرات و شناسائی فاصله بین یادگیری‌های تئوری و ارائه خدمات بالینی، پژوهشی را در جهت بررسی این موضوع که آیا فاصله‌ای بین آموزش تئوری و عملی ما در حرفه پرستاری وجود دارد یا نه، انجام دهد.

روش کار

در این مطالعه توصیفی-تحلیلی، پرستاران طرحی شاغل در بیمارستان‌های شهر اصفهان که در سال ۱۳۸۴ حداقل شش ماه پیش طرح خود را شروع کرده بودند، جامعه پژوهش بودند. به لحاظ این‌که این پرستاران تازه از محیط دانشگاه جدا گشته و هنوز عناوین درسی و محتوای دروس را به یاد داشتند برای

در بین دروس پایه دروس آمار حیاتی، انگل شناسی و بیوشیمی به ترتیب با ۱۰/۰ و ۱۶/۲۵ و ۱۷/۵ درصد کمترین کاربرد و فیزیولوژی و تشریح به ترتیب با ۶۲/۵ و ۶۱/۲۵ درصد امتیاز بیشترین کاربرد را از دیدگاه نمونه‌های پژوهش در بالین داشته‌اند. در دروس اصلی دروس اصول و روش آموزش به بیمار با امتیاز ۸۶/۲۵ درصد، داروشناسی ۸۳/۷۵ درصد و تغذیه و تغذیه درمانی ۷۱/۲۵ درصد بیشترین کاربرد و اپیدمیولوژی و مبارزه با بیماری‌ها با امتیاز ۶۶/۲۵ درصد کمترین کاربرد را در بالین داشته است. در مجموع در بین دروس تخصصی رشته پرستاری بیشترین میانگین کاربرد دروس مربوط به دروس داخلی-جراحی (۳۴/۶۸) و کمترین میانگین کاربرد مربوط به دروس پرستاری مادران و نوزادان (۱۱/۵۸) بود (جدول ۲).

جدول ۲: میانگین کاربرد برخی از دروس دانشگاهی رشته پرستاری

در بالین از دیدگاه واحدهای پژوهش

نام درس اختصاصی رشته پرستاری	میانگین	انحراف معیار
پرستاری داخلی-جراحی-عفونی	۳۴/۶۸	۲/۴۳
اصول و فنون پرستاری	۳۳/۶۵	۲/۱۱
بررسی وضعیت سلامت	۲۹/۲۸	۲/۴۵
پرستاری در فوریت‌ها	۲۵/۱۷	۳/۵۴
پرستاری ویژه	۲۰/۷۸	۲/۸۷
اصول مدیریت خدمات پرستاری	۱۸/۸۵	۳/۴۶
پرستاری بهداشت جامعه	۱۸/۷۹	۴/۸۹
پرستاری کودک سالم و بیمار	۱۶/۱۴	۳/۵۴
پرستاری بهداشت روان	۱۳/۲۳	۱/۸۸
پرستاری مادران و نوزادان	۱۱/۵۸	۴/۳۴

در بررسی میانگین کاربرد دروس مختلف، تفاوت آماری معنی داری بین میانگین‌ها مشاهده نشد که این مسئله با توجه به جنس نیز صادق بود ولی با توجه به سابقه کار، دروس اصلی، پرستاری بهداشت جامعه و پرستاری بیماری‌های روان پزشکی دارای تفاوت آماری معنی دار (به ترتیب $P=0/025$ و $P=0/04$) بودند بدین معنی که هر چه سابقه کار فرد بیشتر بوده نیاز به استفاده از این دروس را کمتر احساس می‌نموده

تکمیل گردید. در نمره‌گذاری براساس میزان کاربرد به هر یک از گزینه‌ها نمره صفر تا پنج اختصاص یافت و سپس میانگین نمره هر درس به طور مجزا و سپس مجموع میانگین دروس در هر حیطه (پایه، اصلی، پرستاری داخلی-جراحی، پرستاری بهداشت مادران و نوزادان، پرستاری بهداشت جامعه، پرستاری بیماری‌های روان پزشکی، پرستاری کودکان و کارآموزی‌های مربوطه) محاسبه و توسط نرم‌افزار آماری SPSS.V.10 و با استفاده از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و آزمون t تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها

نتایج این پژوهش نشان داد که بیشتر نمونه‌های این پژوهش را افراد مؤنث (۸۴/۶ درصد) و فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های آزاد (۶۴/۱ درصد) که سابقه کار بین ۶-۱۲ ماه داشته (۴۷/۴ درصد) و در بخش اورژانس کار می‌کردند (۲۰/۵ درصد) تشکیل می‌داده است (جدول ۱).

جدول ۱: توزیع فراوانی مطلق و نسبی مشخصات دموگرافیک

واحدهای پژوهش

متغیر	تعداد	درصد	نسب	
			مؤنث	مذکر
جنس	۱۲	۱۵/۴	مذکر	۱۰۰
	۶۶	۸۴/۶	مؤنث	۱۰۰
وضعیت شغلی	۲۸	۳۵/۹	دولتی	۱۰۰
	۵۰	۶۴/۱	آزاد	۱۰۰
سابقه کار	۳۷	۴۷/۴	۶-۱۲	۱۰۰
	۱۷	۲۱/۸	۱۳-۱۸	۱۰۰
	۲۴	۳۰/۸	۱۹-۲۴	۱۰۰
ساعت کاری	۳۴	۴۳/۶	صبح	۱۰۰
	۲۱	۲۶/۹	عصر	۱۰۰
	۲۳	۲۹/۵	شب	۱۰۰
بخش	۱۶	۲۰/۵	اورژانس	۱۰۰
	۱۴	۱۷/۹	داخلی	۱۰۰
	۱۲	۱۵/۴	جراحی	۱۰۰
	۳۶	۴۶/۲	بقیه بخش‌ها	۱۰۰

کاربرد دروس علوم پایه در دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین" به عمل آمده نیز موارد مشابهی با یافته‌های فوق گزارش گردیده است. این محققین نیز بیان می‌کنند که "جدائی نسبی و عدم هماهنگی بین دروس علوم پایه و دروس مقطع بالینی وجود دارد که دانشجویان را دچار خستگی و سردرگمی می‌کند و فاصله طولانی بین این دو مقطع شاید تشدید کننده این مسأله باشد و از عوامل مؤثر دیگر شاید عدم آشنائی اساتید علوم پایه با مشکلات و مسائل دروس بالینی باشد که به نظر می‌رسد در مورد حل این مشکل بایستی از طرف مسئولین امر اقدامی صورت پذیرد. در تحقیق این محققین اشاره شده که به عقیده نمونه‌های پژوهش، آناتومی سر و گردن، زبان تخصصی و فارماکولوژی به ترتیب با میانگین های ۷۶/۳ و ۴۹/۳ و ۴۲/۳ بیشترین کاربرد و بیوشیمی، بیوشیمی ساختمانی و فیزیک پزشکی به ترتیب با میانگین های ۱۶/۰ و ۱۸/۰ و ۱۶/۱ کمترین کاربرد را در مقطع بالینی داشته‌اند (۱۰).

گروهی از پژوهشگران، پژوهش مشابهی با عنوان "نظرات پزشکان و کارورزان دانشگاه علوم پزشکی سمنان در خصوص کاربرد دروس علوم پایه در مسائل بالینی" انجام داده‌اند. این پژوهشگران توسط تکمیل پرسشنامه از ۲۳۲ نفر پزشک و کارورز نظرات آنها را نسبت به کاربرد دروس علوم پایه در مسائل بالینی جویا شدند و به این نتیجه رسیدند که دروس فیزیولوژی، زبان تخصصی و باکتری شناسی به ترتیب با میانگین ۳/۲۴ و ۳/۸۴ و ۳/۶۶ دارای بیشترین کاربرد و دروس حشره‌شناسی، بیوشیمی ساختمانی و فیزیک پزشکی به ترتیب با میانگین ۱/۷۳ و ۱/۷۸ و ۱/۹۵ کمترین کاربرد را در مسائل بالینی داشته است و پیشنهاد می‌نمایند که محتوای دروس پزشکی مورد بازبینی قرار گیرد (۱۱).

وودز نیز در تحقیق خود اشاره دارد که بایستی آموزش‌های پرستاری به سمت تخصصی شدن در حیطه‌ها پیشرفت نماید تا این که آموزش‌های آموزشی‌گامی در بالین به کار گرفته شود (۷). در تحقیقی که در زمینه "بررسی نگرش دانشجویان

است و بر اساس نوع دانشگاه، کاربردی بودن دروس داخلی-جراحی و مادران و نوزادان در بالین دارای تفاوت آماری معنی‌داری بود (به ترتیب $P=0/03$ و $P=0/016$) که بر این اساس فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد این دروس را بیشتر از فارغ التحصیلان دانشگاه‌های دولتی کاربردی می‌دانستند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که تفاوت قابل توجهی بین دروس نظری آموزش داده شده در دوره دانشگاه و استفاده آنها در کار بالینی پرستاری وجود دارد. برای نمونه در بین دروس پایه دروس آمار حیاتی، انگل‌شناسی و بیوشیمی به ترتیب با ۱۰/۰ و ۱۶/۲۵ و ۱۷/۵ درصد و در دروس اصلی اپیدمیولوژی و مبارزه با بیماری‌ها با امتیاز ۴۶/۲۵ درصد و در بین دروس تخصصی رشته پرستاری، پرستاری مادران و نوزادان کمترین کاربرد را در بالین داشته است (۱۱/۵۸).

در تحقیقی که با عنوان "مقایسه فاصله یادگیری‌های نظری و خدمات بالینی پرستاری و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه دانشجویان، مدرسین و کارکنان پرستاری" انجام گرفت نیز دقیقاً به این مسئله اشاره شده است که: "بین یادگیری‌های نظری و خدمات بالینی پرستاری، هماهنگی لازم وجود ندارد". محققین این پژوهش اشاره می‌کنند که در مورد میانگین امتیازات فاصله بین یادگیری‌های نظری و خدمات بالینی پرستاری دیدگاه هر سه گروه در مورد اصول و فنون پرستاری مؤید این مسئله است که این فعالیت‌ها تا حدودی هماهنگ بوده، گرچه امتیازات در کلیه موارد از نظر پرستاران، از مدرسین و دانشجویان بیشتر است و از لحاظ آماری ($P<0/01$) معنی دار بوده است. این گروه محققین به هماهنگی نظرات نمونه‌ها در دروس داخلی-جراحی، بهداشت جامعه و پرستاری مادران و کودکان و عدم هماهنگی نظرات در دروس مدیریت و آموزش به مددجو اشاره می‌کنند (۶).

در تحقیق دیگری که توسط گروهی از محققین با عنوان "بررسی نظرات دانشجویان دندانپزشکی مقطع بالینی نسبت به

دانشگاه‌های دولتی احساس نیاز به مطالب تئوریک کمتری نسبت به فارغ التحصیلان دانشگاه‌های آزاد می‌نمایند چرا که بر اساس نوع دانشگاه کاربردی بودن دروس داخلی- جراحی و مادران و نوزادان در بالین دارای تفاوت آماری معنی داری بود که بر این اساس فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد این دروس را بیشتر از فارغ التحصیلان دانشگاه‌های دولتی کاربردی می‌دانستند. در تحقیقی که فورلانگ و اسمیت (Furlong & Smith) در سال ۲۰۰۵ انجام داده‌اند به این نکته اشاره می‌کنند که دروس تئوری رشته پرستاری بایستی برنامه ریزی قابل انعطافی داشته و بنا به ضرورت‌های جامعه و محل اجرای مراقبت تغییر یابد و اشاره می‌کنند که برای رسیدن به یک پرستاری پیشرفته بایستی نیازهای مددجو، خانواده و اجتماع در نظر گرفته شود (۱۵) بنابراین با توجه به این نکته و تفاوت آموزش‌های دانشگاه‌های آزاد و دولتی به خصوص در کارآموزی‌های بالینی به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزی آموزش‌های پرستاری در کشور ایران حتی می‌تواند به صورت منطقه‌ای و با نظر کارشناسان هر استان تغییر یابد.

تحقیق حاضر نشان می‌دهد که با توجه به سابقه کار، دروس اصلی، پرستاری بهداشت جامعه و پرستاری بیماری‌های روان دارای تفاوت آماری معنی داری (به ترتیب در سطح $P=0/025$ و $P=0/04$) بودند بدین معنی که هر چه سابقه کار فرد بیشتر شده نیاز به استفاده از این دروس را کمتر احساس نموده است که این مسئله با تحقیقی که توسط گریش (Gerrish) انجام شده، مطابقت دارد بدین نحو که این محققین بیان می‌دارند که دانش آموختگان پرستاری از نظر دانش تئوریک برای ارائه مراقبت به بیمار و اتخاذ تصمیم مناسب در این خصوص در وضعیت نامطلوبی قرار داشتند و ادعا می‌کنند که پرستاران شرکت کننده در مطالعه چندان در تصمیمات خود درباره حالات بیماران به دانش تئوریک خود متکی نبوده‌اند و بیشتر بر طبق نظر همکاران خود عمل می‌نمودند (۱۶). لذا به نظر می‌رسد که بایستی در جهت کاربردی شدن دروس رشته پرستاری و کم شدن شکاف تئوری و عمل در این رشته اقدامی اساسی

پرستاری نسبت به نحوه ارائه دروس تئوری و کارآموزی آن "انجام گرفته نیز به عدم هماهنگی دروس تئوری و عملی پرستاری اشاره گردیده (۱۲) و همچنین در تحقیق دیگری با عنوان "بررسی مشکلات آموزشی رشته کارشناسی پیوسته پرستاری در حیطه دروس پایه، اصلی و تخصصی در دو زمینه تئوری و عملی از دیدگاه دانشجویان پرستاری شاغل به تحصیل در دانشکده‌های پرستاری و مامائی گیلان" انجام شده نیز به عدم هماهنگی قسمت‌های تئوری و عملی دروس اشاره گردیده و در زمینه نیاز به بازبینی دروس مجدداً اشاره گردیده است (۱۳).

با توجه به پژوهش حاضر و پژوهش‌های مشابه فراوان و از آنجا که پرستاری از جمله حرف با اهمیت در سیستم بهداشتی- درمانی جامعه است و هماهنگی بین آنچه که آموزش داده می‌شود و آنچه در بالین بکار گرفته می‌شود بسیار مهم به نظر می‌رسد لذا بایستی این فاصله با تغییراتی که در سر فصل دروس و شاید شیوه تقسیم بندی جدید دروس پرستاری که در کشورهای دیگر امروزه مورد استفاده قرار گرفته و دروس پرستاری از ابتدا به صورت تخصصی در بخش‌های مختلف تقسیم بندی گردیده، رفع گردد. در تحقیقی که توسط گاردنر و همکاران (Gardner) در سال ۲۰۰۷ به عمل آمده است نیز به این نکته که دروس تخصصی پرستاری کاربرد بالینی بیشتری را به همراه دارد اشاره شده (۱۴) که این نکته در تحقیق وودز نیز بیان شده است (۷). همچنین همان طور که اشاره شد در این رابطه پژوهشی کیفی با عنوان "تجارب دانش آموختگان پرستاری از آمادگی حرفه‌ای در جریان گذر به نقش بالینی خود" بیان می‌کند که بسیاری از شرکت کنندگان در پژوهش به نوعی عدم آمادگی را برای ورود به محیط کار تجربه کرده‌اند. این پژوهشگران یکی از علل این موضوع را به محدودیت‌های آموزش پرستاری در خصوص توانائی آماده سازی دانش آموختگان برای نقش حرفه‌ای خود مشخص ساخته‌اند (۵). در این راستا با توجه به یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد که فارغ التحصیلان

مسئله، رهبری تخصصی، مهارت‌های مربیگری و هدایت، مهارت‌های تحقیق و تغییر عملکردها بایستی در آموزش‌های تئوریک پرستاری جایگاه ویژه‌ای یافته و بیشتر به آنها توجه گردد اشاره نموده و لزوم تغییر آموزش‌ها را در این مباحث پیشنهاد می‌نمایند (۱۷). همچنین به نظر می‌رسد که بایستی بخشی از ملاک انتخاب افراد جهت احراز پست‌های بیمارستانی میزان دانش تئوری آنها در نظر گرفته شود تا پرستاران عزیز اهمیت کاربرد تئوری در عمل را بیش از پیش درک نمایند.

صورت پذیرد و همچنین نوعی ادغام در بخش‌های آموزشی و بالینی ایجاد گردد تا اختلاف آموزش‌های تئوریک و کارهای بالینی به حداقل برسد و در سیستم عملکرد بالینی پرستاران تغییراتی ایجاد گردد. که از مسائل علمی و نکات جدید آموزشی پرستاری که در بخش‌های آموزشی، آموزش داده می‌شود بیشتر استفاده گردد منتزوکاس و واتکینسون (Mantzoukas & Watkinson) نیز در تحقیق خود بر این مسئله که استفاده تئوری در عمل، به کارگیری آموزش تفکر انتقادی، به کارگیری قضاوت‌های بالینی و مهارت‌های حل

منابع

- خوشنویس محمدعلی، نوغانی فاطمه. تاریخ تحولات و اخلاق پرستاری. تهران: انجمن قلم ایران؛ ۱۳۸۳: ۲۴.
- مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی. اخلاق پرستاری به انضمام تاریخ پرستاری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی معاونت امور فرهنگی حقوقی مجلس؛ ۱۳۸۰: ۱۳۱.
- آذریزین مهرداد. پرستار و توانایی‌های وی. مجموعه مقالات سمینار تازه‌های پرستاری. اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد؛ ۱۳۷۹: ۳۷-۳۴.
- Tommey Marriner A, Alligood Martha R. Nursing theorists and their work. 5th ed. st. louis: Mosby Inc; 2002: 225-245.
- عابدی حیدرعلی، حیدری عباس، صلصالی مهوش. تجارب دانش آموختگان پرستاری از آمادگی حرفه ای در جریان گذر به نقش بالینی خود. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی ۱۳۸۳؛ ۴(۱۲): ۷۱-۶۴.
- صالحی شایسته، عابدی حیدرعلی، عالی پور لیلی، نجفی پور شکوفه، فاتحی ناهید. مقایسه فاصله یادگیری‌های نظری و خدمات بالینی پرستاری و عوامل موثر بر آن از دیدگاه دانشجویان، مدرسین و کارکنان پرستاری. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی ۱۳۸۰؛ دوره اول، شماره سوم: ۹-۴۳.
- Woods LP. Conceptualizing advanced nursing practice: curriculum issues to consider in the educational preparation of advanced practice nurses in the UK. J Adv Nurs 1997; 25(4): 820-8.
- شاه‌حسینی زهرا. دیدگاه‌های دانش آموختگان پرستاری و مامائی نسبت به آموزش‌های فراگرفته شده در دوران تحصیل. مجله پژوهش در علوم پزشکی تهران ۱۳۷۷؛ شماره ۳: ۶-۷۴.
- ادهمی اشرف و همکاران. بررسی دیدگاه دانشجویان پزشکی مقطع کارورزی دانشگاه علوم پزشکی کرمان در زمینه کفایت آموزش‌های داده شده جهت دستیابی به اهداف آموزشی مصوب در بخش زنان و زایمان. مجله گام‌های توسعه در آموزش پزشکی ۱۳۸۴؛ دوره دوم، شماره دوم: ۱۰۱-۹۵.
- حاجی سید جوادی زهرا، حسن زاده غلامرضا. بررسی نظرات دانشجویان دندانپزشکی مقطع بالینی نسبت به کاربرد دروس علوم پایه در دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ۱۳۸۰.

۱۱. حاجی آقاجانی سعید، میر محمد خانی مجید، قربانی راهب. نظرات پزشکان و کارورزان دانشگاه علوم پزشکی سمنان در خصوص کاربرد دروس علوم پایه در مسائل بالینی. مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی شهید صدوقی یزد ۱۳۷۹؛ سال ۸، شماره ۲: ۷-۸۲.
۱۲. بررسی نگرش دانشجویان پرستاری نسبت به نحوه ارائه دروس تئوری و کارآموزی آن. خلاصه مقالات هفتمین سمینار آموزش پزشکی کشور. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی ۱۳۸۴، شماره ۱۴: ۴۷.
۱۳. غلامرضائی دارسرا. بررسی مشکلات آموزشی رشته کارشناسی پیوسته پرستاری در حیطه دروس پایه، اصلی و تخصصی در دو زمینه تئوری و عملی از دیدگاه دانشجویان پرستاری شاغل به تحصیل در دانشکده های پرستاری و مامائی گیلان. طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ۱۳۷۸.
14. Gardner G, Chang A, Duffield C. Making nursing work: breaking through the role confusion of advanced practice nursing. *J Adv Nurs* 2007; 57(4):382-91.
15. Furlong E, Smith R. Advanced nursing practice: policy, education and role development. *J Clin Nurs* 2005; 14(9):1059-66.
16. Gerrish C. The newly qualified staff nurse's perception of the transmission from student to trained nurse. M.Sc thesis. Manchester, university of Manchester, 1989: 213.
17. Mantzoukas S, Watkinson S. Review of advanced nursing practice: the international literature and developing the generic features. *J Clin Nurs* 2007, 16(1): 28-37.

The Evaluation of Some Academic Nursing Lessons Application in Clinical Practice from Recruiting Nurses' Point of View in Some Selected Hospitals in Isfahan

*Mehrdad Azarbarzin, M.Sc.**

M.Sc. in Nursing, Instructor of Nursing & Midwifery School, Eslamic Azad University, Najafabad Branch, Isfahan, Iran

Background & Objective: Nursing is a combination of knowledge and art and all aspects of theoretical and practical teaching of nursing must emphasize on these two points, but practically the gap between what is theoretically taught at university and what is practically experienced at work is very big. Therefore in this study it is aimed to evaluate the application of some academic nursing lessons in practical work from recruiting nurses' point of view.

Methods: This research is an analytical- descriptive one. Some hospitals in Isfahan were selected using random sampling method. All recruiting nurses in mentioned hospitals were 78 and all of them were questioned by the research questionnaire which was in two sections: demographic information and a section about the application of nursing lessons in clinical practice.

Results: The findings indicated that most of the subjects were female (84.6%), graduated from Azad universities (64.1%) had a 6-12 months career experience (47.4%) and were working at emergency wards(20.5%).In addition, the highest mean(\pm SD) of the applied lessons at work was for medical-surgical nursing lessons 34.68(\pm 2.43) and the lowest one was for maternity child nursing lessons 11.58(\pm 4.34) there was no significant difference between the mean application of different lessons and it was the same regarding gender but the increase in career experiences showed the decrease in clinical application mean in community health nursing and psychiatric nursing ($P=0.025$ and $P=0.04$ respectively). According to Azad universities graduates' point of view, medical surgical nursing and, maternity child nursing lessons were more applicable in clinical practice ($P=0.03$ and $P=0.016$ respectively).

Conclusion: According to the above findings and studies which were already conducted, it seems that there is a noticeable gap between nursing theoretical lessons and nursing clinical practice. Therefore this gap must be filled by changing the outlines of university lessons and nursing educational curriculums.

*Correspondence: Nursing & Midwifery School, Eslamic Azad University Branch of Najafabad, Isfahan, Iran

• Tel: 0311-2291111

• Fax: 0311-2291112

• Email: azar_mehrdad@yahoo.com